

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُم

۶۰۶۹

عربی. زبان قرآن (۱)

پاکد ۱۱۰۲۰۶

رشته‌های ریاضی و فیزیک ، علوم تجربی

پایه دهم

دوره دوم متوسطه

کاری از:

منصوره خوشخو

سال تحصیلی ۱۴۰۳ - ۱۴۰۲

کانال اَجِبْ العَرَبِيَّة

[@OhebboArabic](https://www.instagram.com/OhebboArabic)



فَيُخْرَبُونَ بُيُوتَنَا وَيَنْهَبُونَ أَمْوَالَنَا، وَهَاتَانِ الْقَبِيلَتَانِ هُمَا يَأْجُوجُ وَ مَاْجُوجُ.

و خانه‌هایمان را ویران و اموال و دارایی‌مان را غارت می‌کنند، و این دو قبیله «یأجوج و ما‌جوج» اند.

لِذَا قَالُوا لَهُ: نَرُجُو مِنْكَ إِغْلَاقَ هَذَا الْمَضِيقِ بَسَدٌ عَظِيمٌ، حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ الْعَدُوُّ أَنْ يَهْجُمَ عَلَيْنَا مِنْهُ؛ وَ نَحْنُ نُسَاعِدُكَ فِي عَمَلِكَ؛
بنابراین به وی گفتند: از تو خواهش می‌کنیم این تنگه را با کمک سدی بزرگ ببندی، تا دشمن نتواند که از آن به ما حمله کند و ما در کارت به تو کمک می‌کنیم،

بَعَدَ ذَلِكَ جَاؤُوا لَهُ بِهَدَايَا كَثِيرَةٍ، فَرَفَضَهَا ذَوَالْقَرْنَيْنِ وَ قَالَ: عَطَاءُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ عَطَاءِ غَيْرِهِ،

پس از آن هدایای زیادی را برایش آوردند، و ذوالقرنین آن‌ها را نپذیرفت و گفت: بخشش خداوند از بخشش دیگری (غیر او) بهتر است،

وَ أَطْلُبُ مِنْكُمْ أَنْ تُسَاعِدُونِي فِي بِنَاءِ هَذَا السَّدِّ. فَرِحَ النَّاسُ بِذَلِكَ كَثِيرًا.

و از شما درخواست می‌کنم که در ساختن این سد به من کمک کنید. مردم از این کار خیلی خوشحال شدند.

أَمَرَهُمْ ذَوَالْقَرْنَيْنِ بِأَنْ يَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَ النُّحَاسِ،

ذوالقرنین به آنها دستور داد که آهن و مس بیاورند،

فَوَضَعَهُمَا فِي ذَلِكَ الْمَضِيقِ وَ أَشْعَلُوا النَّارَ حَتَّى ذَابَ النُّحَاسُ وَ دَخَلَ بَيْنَ الْحَدِيدِ، فَأَصْبَحَ سَدًّا قَوِيًّا،

و آن دو را در آن تنگه گذاشت و آتش روشن کردند تا مس ذوب شد و میان آهن رفت، و سدی محکم شد،

فَشَكَرَ الْقَوْمُ الْمَلِكَ الصَّالِحَ عَلَى عَمَلِهِ، وَ تَخَلَّصُوا مِنْ قَبِيلَتِي يَأْجُوجَ وَ مَاْجُوجَ.

و مردمان از پادشاه درستکار به خاطر کارش سپاسگزاری کردند، و از [دست] دو قبیله یأجوج و ما‌جوج رهایی یافتند.

وَ شَكَرَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ رَبَّهُ عَلَى نَجَاحِهِ فِي فُتُوحَاتِهِ.

و ذوالقرنین از پروردگارش بخاطر پیروزی‌اش در کشورگشایی‌هایش سپاسگزاری کرد.

المعجم برگرد

<p>كَانَ ... يُرْحَبُونَ : خوشامد می‌گفتند گریه : زشت و ناپسند مُحَارَبَةٌ : جنگیدن مُسْتَنْقَعٌ : مرداب مَضِيقٌ : تنگه نُحَاسٌ : مس نَحْوٌ : سمت نَهَبٌ : به تاراج برد وُصُولٌ : رسیدن</p>	<p>تَلَا : خواند «أَتَلُو : می‌خوانم» جَبَّشٌ : ارتش «جمع: جَبُوش» حَدِيدٌ : آهن خَرَّبٌ : ویران کرد ذَابٌ : ذوب شد رَفَضَ : نپذیرفت سَارَ : حرکت کرد، به راه افتاد سَكَنَ : زندگی کرد كَانَ ... يَحْكُمُ : حکومت می‌کرد</p>	<p>اسْتَقْبَلَ : به پیشواز رفت (مصدر: اسْتِقْبَال) اسْتَقَرَّ : استقرار یافت أَشْعَلَ : شعله ور کرد أَصْلَحَ : اصلاح کرد أَطَاعَ : پیروی کرد إِغْتَنَمَ : غنیمت شمرد إِغْلَاقٌ : بستن بِنَاءٌ : ساختن، ساختمان تَخَلَّصَ : رهایی یافت</p>
---	--	---

حول النص برگرد

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. ✓ ✗

- ۱- سَارَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ نَحْوَ الشَّمَالِ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ يَسْكُنُونَ قُرْبَ مَضِيقٍ. (✓)
ذو القرنین به طرف شمال حرکت کرد، تا رسید به قومی که نزدیک تنگه‌ای زندگی می‌کردند.
- ۲- سَارَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ مَعَ جُبُوشِهِ نَحْوَ الْجَنُوبِ، يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ. (✗) ← شرق و غرب و شمال رفتند به جز جنوب
ذو القرنین با ارتش‌هایش به طرف جنوب حرکت کرد در حالی که مردم را به یکتاپرستی فرا می‌خواند.
- ۳- قِيلَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ الْهَدَايَا الَّتِي جَاءَ النَّاسُ بِهَا. (✗) ← قَرَفَظَهَا ذَوَالْقَرْنَيْنِ
ذو القرنین هدیه‌هایی که مردم آن‌ها را آوردند، پذیرفت.
- ۴- بَنَى ذَوَالْقَرْنَيْنِ السَّدَّ بِالْحَدِيدِ وَالْأَخْشَابِ. (✗) ← بِالْحَدِيدِ وَالنُّحَاسِ،
ذو القرنین سد را با آهن و چوب‌ها ساخت.
- ۵- كَانَتْ قَبِيلَتَا يَاجُوجَ وَ مَاجُوجَ مُتَمَدِّنَتَيْنِ. (✗) ← قَبِيلَتَيْنِ وَحَشِيَّتَيْنِ
دو قبیله یاجوج و ماجوج متمدن بودند.

إِعْمَاوَا برگرد

«الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ»

در زبان فارسی برای مجهول کردن فعل از مشتقات مصدر «شدن» استفاده می‌شود؛ مثال:

زده شد می‌زند: زده می‌شود

دیده شد می‌بیند: دیده می‌شود

در جمله دارای فعل معلوم، فاعل معلوم است؛ ولی در جمله دارای فعل مجهول، فاعل ناشناس می‌باشد؛ یعنی حذف شده است.

در جمله «نگهبان در را گشود.» می‌دانیم فاعل نگهبان است؛

ولی در جمله «در گشوده شد.» فاعل نامشخص است.

اکنون با فعل مجهول در دستور زبان عربی آشنا شویم.

عَسَلَ : شُست ← عَسِلَ : شسته شد يَغْسِلُ : می‌شوید ← يَغْسَلُ : شسته می‌شود

خَلَقَ : آفرید ← خُلِقَ : آفریده شد يَخْلُقُ : می‌آفریند ← يَخْلُقُ : آفریده می‌شود

۲ «الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ» = الْفِعْلُ الْمَبْنِيُّ لِلْمَجْهُولِ = الْفِعْلُ الَّذِي فَاعِلُهُ مَحْذُوفٌ

در دستور زبان عربی هنگام مجهول شدن فعل حرکت های آن تغییر می کند.

کَتَبَ: نوشت	كُتِبَ: نوشته شد	يَكْتُبُ: می نویسد	يَكْتُبُ: نوشته می شود
ضَرَبَ: زد	ضُرِبَ: زده شد	يَضْرِبُ: می زند	يَضْرِبُ: زده می شود
عَرَفَ: شناساند	عُرِفَ: شناسانده شد	يَعْرِفُ: می شناساند	يَعْرِفُ: شناسانده می شود
أَنْزَلَ: نازل کرد	أَنْزِلَ: نازل شد	يُنْزِلُ: نازل می کند	يُنْزِلُ: نازل می شود
اسْتَحْدَمَ: به کار گرفت	اسْتُحْدِمَ: به کار گرفته شد	يَسْتَحْدِمُ: به کار می گیرد	يَسْتَحْدِمُ: به کار گرفته می شود

فرق فعل معلوم و فعل مجهول را در مثال های بالا بیابید.

بیشتر بدانیم برگرد

کودک غذا خورد ← غذا خورده شد .

باغبان نهال را کاشت ← نهال کاشته شد .

دانش آموز کتاب خرید ← کتاب خریده شد .

در عبارات سمت راست ، فاعل ها و انجام دهندگان کار « معلوم » هستند ولی در عبارات سمت چپ فاعل ها و انجام دهندگان کار « مجهول » می باشند.

فعل ها از جهت « فاعل » بر دو نوع اند :

۱) فعلی که فاعل و انجام دهنده آن مشخص و مذکور است، فعل معلوم نام دارد. (فعل و فاعله یا مذکور است یا مستتر است و غیر مذکور)

۲) فعلی که فاعل و انجام دهنده آن در جمله حذف شده است و فعل را به مفعول نسبت می دهند، فعل مجهول نام دارد. (فعل و فاعله محذوف)

نکته مهم ۱: در زبان فارسی فعل ها را می توان با فعل کمکی « شد » و مشتقات آن مجهول کرد.

صفت مفعولی + مشتقات شدن = فعل مجهول

نکته مهم ۲: در زبان عربی مجهول کردن فعل ها ، قاعده خاصی دارد که باید دقیقاً آنها را بیاموزیم .

نکته مهم ۳: فعل های گذرا به مفعول را می توان مجهول کرد.

فعل مجهول ۱۰۰٪ متعدی است. فعل لازم مجهول ندارد.

مجهول قال، قیل و مجهول یقول، یقال است.

◆ روش مجهول کردن افعال عربی :

◆ روش مجهول فعل ماضی (به شرطی که متعدی باشد) در زبان عربی :

- ۱) به عین الفعل یعنی دومین حرف اصلي « كسره - » می دهیم.
 - ۲) حروف متحرك ما قبل عین الفعل را (مضموم -) می کنیم.
- مانند، نَصَرَ : (یاری کرد)، نُصِرَ (یاری شد)؛
خَلَقَ : (آفرید)، خُلِقَ : (آفریده شد)؛
اِحْتَرَمَ : (احترام کرد)، اُحْتِرِمَ : (احترام شد).

◆ روش مجهول کردن فعل مضارع (به شرطی که متعدی باشد) در زبان عربی :

- ۱) به عین الفعل یعنی دومین حرف اصلي « فتحه - » می دهیم.
 - ۲) فقط حرف مضارعه را (مضموم -) می کنیم.
- مانند، يَنْصُرُ : (یاری می کند)، يَنْصَرُ : (یاری می شود)؛
يَخْلُقُ : (می آفریند)، يَخْلُقُ : (آفریده می شود)
يُحْتَرِمُ : (احترام می گذارد)، يُحْتَرَمُ : (احترام گذاشته می شود)

که اِحْتَرَمَ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ الْمُبَارَكَةَ وَ الْحَدِيثَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَجْهُولَةَ.

۱- ﴿وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ﴾ الأعراف: ۲۰۴

و آنگاه که قرآن خوانده شود پس به آن گوش فرا دهید. / فعل مجهول ﴿قُرِئَ﴾

۲- ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ سِيْمَاهُمْ﴾ الرحمن: ۴۱

گناهکاران از چهره‌یشان شناخته می‌شوند. / فعل مجهول ﴿يُعْرِفُ﴾

۳- ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا﴾ النساء: ۲۸

انسان ناتوان آفریده شد. / فعل مجهول ﴿خُلِقَ﴾

۴- ما عُمَرَ الْبُلْدَانُ^۱ بِمِثْلِ الْعَدْلِ^۲. الإمام علي عليه السلام

با هیچ چیزی به مانند عدل شهرها آباد نشده است. / فعل مجهول ﴿عُمِّرَتْ﴾

۵- إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ، الصَّلَاةُ؛ فَإِنْ قُبِلَتْ، قُبِلَ مَا سِوَاهَا^۳. الإمام الباقر عليه السلام

نخستین چیزی که بنده برای آن حسابرسی می‌شود نماز است؛ اگر پذیرفته شود سایر اعمالش هم پذیرفته می‌شود. / فعل مجهول ﴿يُحَاسَبُ﴾

قُبِلَ، قُبِلَتْ، قُبِلَ

۱- ما عُمِّرَتْ: آباد نشد ۲- الْبُلْدَانُ: شهرها، کشورها «مفرد: بَلَد» منبع حدیث: تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام، جلد ۱، صفحه ۲۰۷

۳- ما سِوَاهَا: جز آن

□ در گروه‌های دو نفره، شبیه‌گفت‌وگویی زیر را اجرا کنید.

جواز برگرد

(مَعَ مَسْئُولٍ اسْتِقْبَالًا^۱ الْفُنْدُقِ)

گفتگو (با مسئول پذیرش هتل)

◆ مَسْئُولِ الْإِسْتِقْبَالِ (مسئول پذیرش)	◆ السَّائِحُ (گردشگر)
◆ ما هو رَقْمُ عُرْفَتِكَ؟ شماره اتاق چند است؟	◆ رجاءً أَعْطِنِي ^۲ مِفْتَاحَ عُرْفَتِي. لطفاً کلید اتاقم را به من بدهید.
◆ تَفَضَّلْ. بفرما	◆ مِئَتَانِ وَعِشْرُونَ. ۲۰
◆ أَعْتَذِرُ مِنْكَ، أَعْطَيْتَكَ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثِينَ. از شما معذرت می‌خواهم، ۳۰ را به شما دادم.	◆ عَفْوَاً، لَيْسَ هَذَا مِفْتَاحَ عُرْفَتِي. بخشید، این کلید اتاق من نیست.
◆ مِنَ السَّادِسَةِ صَبَاحاً إِلَى الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ، ثُمَّ يَأْتِي زَمِيلِي بَعْدِي. از شش صبح تا دو بعدازظهر سپس بعد از من همکارم می‌آید.	◆ لِأَبَسَ، يَا حَبِيبِي. مَا هِيَ سَاعَةُ دَوْلِهِ ؟ عیبی ندارد، دوست من، ساعت کار شما چند است؟
◆ الْفَطُورِ مِنَ السَّابِعَةِ وَالنَّصْفِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعاً؛ صبحانه از هفت و نیم تا یک ربع به نه؛ ◆ الْغَدَاءُ مِنَ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ حَتَّى الثَّانِيَةِ وَالرُّبْعِ؛ ناهار از دوازده تا دو و ربع؛ ◆ الْعِشَاءُ مِنَ السَّابِعَةِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعاً. شام از هفت تا یک ربع به نه.	◆ مَتَى مَوَالِهِ ^۳ الْفَطُورِ وَالْغَدَاءِ وَالْعِشَاءِ؟ زمان‌های صبحانه و نهار و شام چه وقت‌هایی هست؟
◆ شايٌ وَ خُبْزٌ وَ جُبَّةٌ ^۴ وَ زُبَّةٌ ^۵ وَ حَلِيبٌ وَ مَرَبِيّ الْمَشْمِشِ. چای و نان و پنیر و کره و شیر و مربای زردآلو	◆ وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْفَطُورِ؟ غذای صبحانه چیست؟
◆ رَزٌّ مَعَ دَجَاجٍ ^۶ . برنج با مرغ	◆ وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْغَدَاءِ؟ وَ غَدَايَ نَاهَارِ چيست؟
◆ رَزٌّ مَعَ قَدَرٍ ^۷ بَادِنِجَانٍ. برنج با خورش بادمجان	◆ وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعِشَاءِ؟ وَ غَدَايَ شَامِ چيست؟
◆ لَا شُكْرَ عَلَى الْوَالِدِ ^۸ . تشکر لازم نیست.	◆ أَشْكُرُكَ. از شما سپاسگزارم (متشکرم)

۱- مَسْئُولِ الْإِسْتِقْبَالِ: مسئول پذیرش
 ۲- أَعْطِنِي: به من بده
 ۳- مَوَالِهِ: پنیر
 ۴- جُبَّةٌ: پنیر
 ۵- زُبَّةٌ: کره
 ۶- دَجَاجٍ: مرغ
 ۷- قَدَرٍ: خورش
 ۸- لَا شُكْرَ عَلَى الْوَالِدِ: لا، لای نفی جنس است ولی اصطلاح است و موقع ترجمه معادل از کلمه «هیچ» استفاده نمی‌شود.
 مثل: لا بأس: اشکال ندارد

کلمات التمارین برگرد

● التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَي كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

۱- مَعْنَى الدَّهَابِ نَحْوَ الصَّيْفِ وَ إِظْهَارِ الْفَرْحِ بِهِ. ... ﴿الْأَسْتِقْبَالُ﴾: پیشواز به معنی رفتن به سوی مهمان و اظهار خوشحالی به اوست.

۲- مَجْمُوعَةٌ كَبِيرَةٌ مِنَ الْجُنُودِ لِلدَّفَاعِ عَنِ الْوَطَنِ. ... ﴿الْجَيْشُ﴾: ارتش مجموعه بزرگی از سربازان برای دفاع از وطن است.

۳- مَكَانٌ يَجْتَمِعُ فِيهِ الْمَاءُ زَمَانًا طَوِيلًا. ... ﴿الْمُسْتَنْقَعُ﴾: مرداب جایی که آب برای مدت طولانی در آن جمع می‌شود.

۴- فَلِزِّ يُسْتَخْدَمُ فِي صِنَاعَةِ الْكَهْرَبَاءِ. ... ﴿النُّحَاسُ﴾: مس فلزی که در صنعت برق به کار برده می‌شود.

۵- مَكَانٌ بَيْنَ جَبَلَيْنِ. ... ﴿الْمَضِيقُ﴾: تنگه جایی بین دو کوه است.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: ضَعِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ زَائِدَةٌ»

ذَابَ (ذوب شد) / تَخَلَّصَ (رهايي يافت) / مُحَارَبَةً (جنگ با) / أَصْلَحَ (اصلاح كرد) / كَرِيهَةً (زشت، ناپسند) / مُفْسِدُونَ (تبهكاران) / رَفِضَ (نپذيرفت) / أُسْكِنُ (ساكن شو)

۱- ﴿مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ ... فَإِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (الأنعام: ۵۴) ﴿أَصْلَحَ﴾ هرکس از شما به نادانی کار زشتی مرتکب شود، سپس بعد از آن توبه کند و اصلاح نماید، [پس ببیند] که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

● تَابَ: توبه کرد

۲- ﴿إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَاجُوجَ ... فِي الْأَرْضِ﴾ (الكهف: ۹۴) ﴿مُفْسِدُونَ﴾ همانا یاجوج و ماجوج، تبهکاران در زمین هستند.

۳- ﴿وَ يَا آدَمُ ... أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾ (الاعراف: ۱۹) ﴿أُسْكِنُ﴾ ای آدم، تو و همسرت در بهشت ساکن شوید (زندگی کنید).

۴- ذَهَبَ جَيْشُنَا الْقَوِيُّ لِ ... أَعْدَائِنَا. ﴿مُحَارَبَةً﴾ ارتش نیرومند ما برای جنگ با دشمنانمان رفتند.

۳- وَصَلَ ذُو الْقَرْنَيْنِ إِلَى مُسْتَنْقَعَاتٍ مِيَاهُهَا ذَاتُ رَائِحَةٍ ... ﴿كَرِيهَةً﴾. ذُو الْقَرْنَيْنِ به مرداب‌هایی رسید که آب‌هایشان دارای بویی ناپسند بودند.

التمرین الثالث: عین الجواب الصحیح.

۱- الماضي من «يَسْتَقْبِلُ» ﴿يَسْتَقْبِلُ﴾

استقبل: استقبال کرد / قبل: پذیرفت / أقبل: روی آورد

۲- المضارع من «فَرَّقَ» ﴿يَفْرُقُ﴾

يَفْرُقُ: پراکنده می‌شود / يَفْتَرِقُ: جدا می‌شود / يَفْرُقُ: جدایی می‌اندازد

۳- المصدر من «أغلق» ﴿إِغْلَاقٌ﴾

إِغْلَاقٌ: بسته شدن / إِغْلَاقٌ: بستن / تَغْلِيْقٌ: بستن

۴- الأمر من «تعلّموا» ﴿عَلِّمُوا﴾

عَلِّمُوا: یاد دهید / أَعْلِمُوا: آگاه کنید / اَعْلَمُوا: بدانید

۵- الفعل المجهول ﴿يُضْرَبُ﴾

يُضْرَبُ: افتخار می‌دهد / يُضْرَبُ: زده می‌شود / يُحَاسِبُ: حساب کرد با

۶- المجهول من «يُخْرِجُ» ﴿يُخْرِجُ﴾

أُخْرِجُ: در آورده شد / يُخْرِجُ: خارج می‌شود / يُخْرِجُ: در آورده می‌شود

۷- الفعل المجهول ﴿ذَكَرَ﴾

رَفَضَ: نپذیرفت / قَرَّبَ: نزدیک شد / ذَكَرَ: یاد شد

التمرین الرابع: ترجم العبارات التالية، ثم عین الأفعال المجهولة.

۱- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا﴾^۱ الخ: ۷۲

- ای مردم، مثلی زده شد، پس بدان گوش فرا دهید؛ کسانی را جز خدا می‌خوانید، مگسی را نخواهند آفرید.

- فعل مجهول ﴿ضُرِبَ﴾

۲- ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِطًا لَهُ الدِّينَ﴾^۲ الرُّم: ۱۱

- بگو: برآستی من خود فرمان یافته‌ام (مأمور شده‌ام) که خدا را در حالی که دین را برای او خالص گردانیده‌ام بپرستم.

- فعل مجهول ﴿أُمِرْتُ﴾

۳- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾^۳ البقرة: ۱۸۵

- ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل شده است.

- فعل مجهول ﴿أُنزِلَ﴾

۴- تَغَسَّلُ مَلَابِسُ الرِّیَاضَةِ قَبْلَ بَدَايَةِ الْمُسَابَقَاتِ.

- لباس‌های ورزش پیش از شروع مسابقات شسته می‌شود.
- فعل مجهول ﴿ تَغَسَّلُ ﴾

۵- يَفْتَحُ بَابُ صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ لِلطُّلَابِ.

- در سالن امتحان برای دانشجویان باز می‌شود.
- فعل مجهول ﴿ يَفْتَحُ ﴾

۱- لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا: مگسی را نخواهند آفرید ۲- مُخْلِصًا: در حالی که خالص گردانیده‌ام.

✪ انوار القرآن ✪ برگرد

عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ:

۱- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید مردمانی، مردمانی [دیگر] را ریشخند کنند، شاید آنها ... (خوب) بهتر از خودشان (باشند)؛
- بهتر از خودشان

۲- ﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾

ترجمه: و از ... (خودتان / دیگران) عیب نگیرید، و به همدیگر ... (لقب / لقب‌های) زشت ندهید؛
- خودتان / لقب‌های

۳- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ... (به بسیاری از گمان‌ها اعتماد نکنید) / (بسیاری از گمان‌ها دوری کنید)؛
- از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید

۴- ﴿إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا﴾

زیرا برخی گمان‌ها ... (گناه / زشت) است، و جاسوسی نکنید؛ و نباید غیبت ... (دیگران / همدیگر) کنید.
- گناه / همدیگر

۵- ﴿أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلْ أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم مِّنْ بَيْنِكُمْ أُولَٰئِكَ لَمْ يَقْبَلُوا صَدَقَاتِكُمْ حَتَّىٰ تَتْرُقُوا أُولَٰئِكَ﴾

آیا کسی از شما ... (می‌خواهد / دوست می‌دارد) که گوشت برادرش را که مرده است ... (بخورد / بگند)؟ [کاری که آن را ناپسند می‌دارید].
- دوست می‌دارد / بخورد

📖 اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ 📖 برگرد

اِبْحَثْ عَنِ آيَةٍ أَوْ حَدِيثٍ أَوْ شِعْرِ أَوْ كَلَامٍ جَمِيلٍ مُرْتَبِطٍ بِالنُّعْمِ الْإِلَهِيَّةِ.



﴿وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ﴾ التَّمَلُّ: ٤٠

و هر کس سپاس گزارد تنها به سود خویش سپاس می‌گزارد.

-نعمت های ظاهری و باطنی، مادی و معنوی همه در سوره الرحمن:

﴿الرَّحْمَنُ ۙ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ۖ خَلَقَ الْإِنسَانَ ۖ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ۖ وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾

- قَالَ عَلِيُّ (ع): "كُفِرُ النُّعْمَةِ مَزِيلُهَا".

- "کفر نعمت، نعمتت زایل کند / تا لب دوزخ تو را مایل کند" ابوالقاسم غفوری

- ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ، وَاسَعَّ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ

بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى وَ لَا كِتَابٍ مُنِيرٍ﴾ لقمان: ٢٠

آیا ندیده‌اید که خدا هر چه را که در آسمانها و زمین است رام شما کرده است و نعمتهای خود را چه آشکار و چه پنهان به تمامی بر شما ارزانی داشته؟ و پاره‌ای از مردم بی‌هیچ دانشی یا راهنمایی و کتاب روشنی، درباره خدا جدال می‌کنند. آیتی